



مبانی فقهی و حقوقی جرم توهین به مقدسات

حسین تنگستانی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور مرکز بوشهر

چکیده :

از میان آفات قابل تامل در جوامع بشری، آفت قداست گریزی، قداست زدایی، قداست ستیزی و مبارزه با ارزشهای والای دینی و مذهبی است که ضربه های سنگینی را بر پیکره ی امنیت، آسایش و رفاه اجتماع وارد می کند. در پژوهش حاضر که به روش کتابخانه ای و جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده هاست نگارنده بر آنست ، با استناد به کتب فقهی ضمن از بین بردن ابهامات در مورد این موضوع، از این رهگذر شناختی دقیق نسبت به جرم توهین به مقدسات در منابع فقهی که موضوع این مقاله است به وجود آورد.

1

برخی ناهنجاری های اخلاقی اجتماعی (از قبیل آدم ربایی، قتل عمد، روابط نامشروع، درگیریها، و ترویج فساد) معضلات سیاسی و اعتقادی (همانند بازیچه قرار دادن دین، ارتداد، ترویج باطل) و نهایتا توهین به مقدسات مذهبی ، مواردی است از هجران و جدایی انسان از ارزشهای دینی سیر به سمت مادی گرایی.

در دنیای متمدن و پیچیده ی امروزی، اساسی ترین نیاز بشر، ایجاد امنیت و آسایش در پرتو عدالت بر محور حق گرایی، و راه یافتن در جهت تحکیم ارزشهای دینی و گام نهادن در مسیر خدا جویی، خداشناسی و خداپرستی است. تحقق این نیاز دیرینه ی بشر، به اندازه ای مهم و در خور توجه است که اسلام، آنرا به عنوان یکی از مهمترین اهداف پیام آوران بزرگ الهی مطرح کرده است.

واژگان کلیدی: مقدس، قداست، سب، جرم، مجازات



واژه شناسی :

در این مقاله برخی از واژه ها مانند « توهین »، «جرم»، «سب»، و «مقدس» نسبت به سایر کلمات کاربرد بیشتری دارند؛ پس لازم است ابتدا به بررسی معنی لغوی و اصطلاحی این کلمات بپردازیم.

الف) توهین: در لغت از ریشه وهن و به معنای خفیف و خوار کردن می باشد. و در اصطلاح عبارت است از هرگونه رفتاری اعم از قول، فعل، کتابت و اشاره به گونه ای که موجب وهن حیثیت طرف مقابل از نظر عرف جامعه قرار بگیرد. توهین در معنای دقیق تر عبارت است از نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دروغ یا صحیح به هر وسیله و ابزاری که باشد و یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف و عادت و جب کسر شأن و باعث خفیف شدن طرف دیگر گردد.

توهین اعم از صریح یا ضمنی ممکن است به صورت شفاهی یا کتبی باشد که البته وسیله در آن شرط نیست بلکه طرز استفاده از کلمات، شخصیت بزه دیده، زمان و مکان، موقعیت اجتماعی بزه دیده در تحقق بزه اهمیت دارد.

توهین در حقوق جزا عبارت است از: کوچک کردن کسی از طریق کلمات یا اعمالی که موجب سوء ادب شخص تلقی می شود. بنابراین توهین و اهانت همانند احترام و اکرام یکی از عناوینی است که باید با قصد و عمد تحقق یابد و بدون آن محقق نمی شود.

2

انواع توهین:

جرم توهین و مجازات آن به اعتبار مقام و شخصیت قربانی جرم به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) توهین ساده: توهین ساده عبارت است از اهانتی که علیرغم دارا بودن وصف مجرمانه از هیچ کیفیت مشدده ای برخوردار نیست و مجازات قانونی آن ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی می باشد که بیان می دارد: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد موجب مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. ذکر این نکته مهم است که راست یا دروغ بودن نسبت ها در توهین شرط نیست بلکه تنها این مهم است که گفتار یا رفتار اهانت کننده عرفاً وهن آور باشد.

ب) توهین مشدد: گاهی اوقات به دلیل شأن و منزلت شخص توهین شونده، توهین با واکنش شدید قانون گذار مواجه می باشد، یعنی در مواردی که توهین شونده دارای موقعیت و منزلت خاص مذهبی، اجتماعی و یا سیاسی باشد قانون گذار برای اهانت کننده مجازات های شدیدتری پیش بینی کرده است. انواع توهین های مشدد عبارتند از: ۱- توهین به مقام رهبری قبلی و فعلی که مجازات آن طبق ماده ۵۱۴ قانون مجازات حبس از ۶ ماه تا ۲ سال می باشد. ۲- توهین به سایر کارکنان و مقامات دولتی ایران که مجازات آن طبق ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی ۳ تا ۶ ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی می باشد. ۳- توهین به مقامات سیاسی خارجی ۴- توهین به صاحبان حرفه ها و مشاغل خاص

ج) توهین مستوجب حد: مجازات این نوع توهین از نوع حد است. قذف به عنوان توهینی که مجازات آن حد است از بارزترین مصادیق این توهین است.



عناصر تشکیل دهنده جرم توهین الف) عنصر قانونی: عنصر قانونی جرم توهین در قوانین جاری عبارت است از مواد ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی تحت عنوان توهین به مقدسات و... ماده ۵۱۴ توهین به بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی و... ماده ۶۰۸ توهین به اشخاص حقیقی، ماده ۶۰۹ توهین به روسای قوای سه گانه و سایر مقامات و... ماده ۷۰۰ تحت عنوان هجو افراد و ماده ۲۶ قانون مطبوعات، تحت عنوان توهین به دین مبین اسلام و مقدسات توسط مطبوعات، ماده ۶۱۹ تحت عنوان توهین به زنان و اطفال. همچنین مواد ۴۸ و ۴۹ قانون جرایم نیروهای مسلح را نیز می توان نام برد. هر چند با توجه به توسعه وسایل ارتباط جمعی بویژه رایانه، توهین از رهگذر رایانه به روشنی جرم انگاری نشده است و از آن جا که وسیله ارتکاب جرم و توهین شرط نیست و آن را توجیه نمی کند می توان عناصر موجود را در مورد جرم توهین از رهگذر رایانه نیز به کاربرد هر چند مقنن در قانون جرایم رایانه ای ذیل فصل پنجم و مواد ۱۶ و ۱۷ و تحت عنوان هتک حیثیت و... بدان اشاره نموده است.

ب) عنصر مادی: رکن مادی جرایم توهین به صورت مشترک در تمام آنها شامل رفتار مرتکب به شرط مشخص بودن طرف و موهن بودن رفتار توهین آمیز و مطلق بودن آن است.

ج) عنصر روانی: عنصر روانی جرم توهین در ابتدا آگاهی مرتکب به توهین آمیز بودن رفتار ارتكابی است و سپس قصد وی به منظور تخریب شخصیت بزه دیده و ورود ضرر معنوی به نامبرده می باشد.

3

مجازات توهین: ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، موضوع اهانت به مقدسات اسلامی در صورتی که جرم ارتكابی مشمول حکم سب النبی (توهین شدید به پیامبر گرامی اسلام و امامان و حضرت فاطمه زهرا و...) باشد اعدام و در غیر این صورت مشمول مجازات حبس از یک تا پنج سال خواهد بود. ذیل ماده ۵۱۴ چنانچه کسی به هر نحوی به حضرت امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. قانونگذار در ماده ۶۰۸ توهین به افراد (اشخاص حقیقی) از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک را چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا از ۵۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم نموده است. همچنین ذیل ماده ۶۰۹ آمده است هر کس با توجه به سمت یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه ها و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها، در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس یا ۷۴ ضربه شلاق و یا از ۵۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود. مجازات تعرض یا مزاحمت اطفال و زنان در اماکن عمومی و معابر چه با الفاظ و چه با حرکات مخالف شان و حیثیت، حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق پیش بینی شده است. مجازات کسی که با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی (دیگری) را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید حبس از یک تا شش ماه خواهد بود. قانونگذار در ماده ۲۶ قانون مطبوعات هر کس را که به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند در صورتی که به حکم ارتداد منجر شود حکم ارتداد را در مورد وی صادر و اجرا می نماید، در غیر این صورت طبق نظر حاکم شرع و براساس قانون تعزیرات (به موجب ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی) با مجرم رفتار خواهد شد. در مواد ۴۸ و ۴۹ که موضوع آن توهین هر نظامی در حین خدمت به مافوق خود و برعکس (افراد تحت امر) می باشد مجازات حبس از دو ماه تا یک سال پیش بینی شده است. صرف نظر از عوامل و عناصر فوق و مجازات های مقرر، آنچه در مورد جرم توهین حائز اهمیت است منشا آن می باشد که اغلب محرک های بیرونی و شرایط محیطی به آن دامن می زند یا تحت تاثیر عوامل درونی از قبیل خودخواهی و غرور، تعصب بی مورد، زیاده طلبی، نادیده گرفتن حقوق دیگران و... در سایه عدم کنترل رفتارهای شخصی به وقوع می پیوندد. راه های پیشگیری و مقابله با جرم توهین نیز قبل از واکنش قانون در برابر



آن در دست خود افراد است که با تعدیل و کنترل رفتار، برخورداری از سعه صدر، احترام به حقوق دیگران، خویشتنداری، صبر و شکیبایی و در نهایت اندکی گذشت در سایه توجه به تعالیم اسلامی و آموزه‌های دینی و ایمان و... با تقویت اراده فردی و جمعی درصدد مقابله با این پدیده زشت اجتماعی باشد.

ب) جرم: در حقوق کیفری که اساس آن قانون کیفری است، فرایند شناخت ماهیت جرم به همان تعریف قانون از جرم ختم می‌شود؛ حال آنکه تعریف قانونی از جرم چون حالت ارجاعی به مصادیق مجرمانه دارد، اساساً تعریف محسوب نمی‌شود.

معنای لغوی جرم:

جرم در معنای لغوی مترادف گناه، تعدی، خطا و عصیان آمده است و جمع آن اجرام و جروم است.

بنابراین جرم در معنای لغوی دارای محدوده وسیعی است که هم شامل بزه می‌شود و هم گناه و استعمال آن در زبان فارسی و به عنوان فعل یا ترک فعل قابل کیفر عاری از اشکال نیست. در واقع، بزه معادل کلمه جریمه است و جریمه اخص از جرم، عمل یا ترک عملی است که قانون آن را با عقوبت و تنبیه بدنی تعقیب کند.

جمع کلمه جریمه، جرایم است؛ حتی در متون ادبی گذشته نیز جرم هیچگاه در معنای انحصاری فعل یا ترک فعل قابل عقوبت دنیوی، نیامده و دارای معنای وسیعی بوده است که هم شامل گناه می‌شد، هم بزه و هم خطا.

اصطلاح جرم:

تعریف مصطلح جرم از معنای لغوی آن فاصله داشته و بر حسب رشته مربوطه، شرایط و قیودی بر معنای لغوی وارد شده است.

تعریف جرم بر حسب نظر اندیشمندان و بر اساس رشته‌هایی که جرم را مورد مطالعه قرار می‌دهند، متنوع و متفاوت است.

بسی مشکل است تا از میان انبوه این تعاریف، تعریفی را انتخاب کرد که جامع افراد و مانع اغیار باشد؛ حتی در حقوق کیفری، حقوقدانان بر سر تعریف نهایی جرم توافق ندارند و در نهایت، علی‌رغم نظرات اصلی خویش، تسلیم تعریف قانونی جرم می‌شوند. از آنجایی که تعاریف متفاوت از جرم در تبیین اهداف این تحقیق، نقش اساسی ایفا می‌کنند، ناگزیر باید به برخی از آنها اشاره کرد:

از حیث رشته‌های علوم انسانی، برخی از تعاریف ارائه شده از جرم به شرح زیر است:

جامعه‌شناسی: جرم عبارت است از هر شیوه رفتاری که قانون را نقض می‌کند. جامعه‌شناسان با این شعار که «هر جا که قانون وجود دارد، جرم نیز وجود دارد»، نظریه بر چسب زنی را مناسب‌ترین رویکرد برای درک جنبه‌های جرم و رفتار کجروانه می‌دانند.

فلسفه: جرم به معنای هر کار ممنوعی است که انجام آن موجب ضرر گردد. اگر کاری را که کسی انجام داده، در جامعه معین، مخالفت شدید با قوانین اخلاقی و شریعت داشته باشد، بزه نامیده می‌شود و اگر مخالفت آن با این قوانین شدید نباشد، گناه یا جناح نامیده می‌شود.



فقه: در فقه امامیه، جرم تعریف نشده و فقها جرم را با توجه به مجازاتی که شرع برای آنها پیش بینی کرده است، معرفی نموده اند. از دیدگاه برخی از حقوقدانان اسلامی معاصر، جرم مخالفت اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد و از طرف شارع برای آن ضمانت اجرای جزایی مقرر شده است.

حقوق(قانون): جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸)

جرم شناسی: در جرم شناسی جرم صرفاً دارای یک مفهوم مجرد حقوقی نیست. در این رشته، جرم از منظر اجتماع و با توسل به علوم روانشناسی و زیست شناسی تحلیل می شود تا عوامل ارتکاب جرم و طرق پیشگیری از وقوع آن تبیین شود.

تعریف جرم مناسب و مفید نیست؛ چون جرم از جامعه ای به جامعه ای دیگر و از زمانی به زمان دیگر در تغییر است؛ حتی مفهوم جرم کاملاً تابع تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخل یک جامعه است و امروزه با روند جهانی شدن حقوق کیفری و با وجود اوامر یا توصیه های سازمان های بین المللی، مفهوم جرم بیش از پیش در معرض تغییر قرار گرفته است. ارایه تعریف دایمی و تغییر پذیر از جرم، انکار تأثیر مقتضیات زمانی و مکانی در داخل جوامع و در عرصه های بین المللی است؛ حال آنکه جرم باید به تبع تحولات اجتماعی و بین المللی تغییر یابد و مفهوم آن گونه ای دیگر جلوه نماید.

5

ج) معنای لغوی و اصطلاحی سبّ:

«سبّ» همان دشنام وجیع و دردناک است. «سبه»، عورت را گویند که مورد دشنام واقع می شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۲۲۶) «السبابة» یعنی انگشت بعد از ابهام یا «انگشت اشاره» را می گویند که در جاهلیت، هنگام دشنام و سبّ به وسیله آن اشاره می کردند (فراهیدی، ۲۰۴؛ و راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۲۲۷). همچنین «سبّ» به معنی قطع و بریدن است و با فحاشی و ناسزاگویی هم ارتباط و روابط دوستانه قطع می شود (ابن منظور، ۱۳۸۸ش: ۳۸۲).

«سباب» از باب مفاعله و به معنای دشنام گویی دو نفر یا دو گروه به همدیگر است. سباب از سبّ که به معنای دشنام است، بدتر است؛ چرا که به گفته ابن منظور «سبّ سخن زشتی است که در آن تهمت نیست، اما سباب این است که در بدگویی از فردی چیزی را بگویی که در وی وجود دارد و یا چیزی بر زبان آوری که در وی وجود ندارد و هدف این باشد که بدین وسیله، عیبی را به وی منسوب سازی.» (همان)

تعریف اصطلاحی سبّ: سبّ عبارت است از گفتن چیزهایی زشت با جمله های صریح، بی پرده و بدون کنایه و رمز که بیشتر درباره عمل جنسی و آنچه بدان مربوط می شود، می آید.



منطق سبب محکوم است و در طول تاریخ سابقه ندارد که توفیق از آن ادبیات و منطق سبب بوده باشد. کسی با دشنام از عقیده-اش بر نمی‌گردد، بلکه متعصب‌تر و متصلب‌تر می‌گردد. بنابراین با ادبیات «کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است» کسی به منزل مقصود نمی‌رسد.

سبب نزول آیه و بررسی آن

از آنجایی که سبب نزول ما را در فهم بهتر آیات قرآن کمک می‌کند؛ به ذکر روایاتی که از فریقین در مورد سبب نزول آیه ۱۰۸ سوره انعام آمده است، می‌پردازیم:

۱. ابن عباس (رض) می‌گوید: «وقتی آیه «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ» (انبیاء، ۹۸) نازل شد، مشرکان به پیامبر (ص) گفتند: ای محمد، یا از دشنام دادن خدایان ما دست می‌کشی و یا اینکه پروردگارت را دشنام می‌دهیم؛ خداوند با نزول آیه ۱۰۸ سوره انعام، مسلمانان را از دشنام دادن بت‌های آنها بازداشت.» (آلوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۸: ۲۵۲)

۲. از عمرو طیالسی روایت شده است که گفت: «از امام صادق (ع) معنای آیه «لا تسبوا...» را پرسیدم، حضرت فرمود: ای عمرو هیچ دیده‌ای کسی خدا را دشنام دهد؟ عرض کردم چطور مگر؟ فرمود: مقصود از دشنام به خدا، دشنام به اولیای خداست؛ زیرا هر فردی ولی از اولیای خدا را دشنام دهد، گویا خدا را دشنام داده است.» (بروجردی، ۱۳۸۸ش، ج ۲: ۴۳۶)

لازم به ذکر است که رشید رضا گفته کسانی را که منظور از «فیسبوا الله» را «فیسبوا رسول الله» می‌دانند، نوعی تکلف دانسته و با برخی از روایات همگون نمی‌یابد (رشید رضا، بی‌تا، ج ۷: ۶۶۵).

۳. بغوی می‌گوید: «زمانی که آیه ۱۰۸ سوره انعام نازل شد، پیامبر (ص) خطاب به اصحاب‌شان فرمودند: پروردگارتان را دشنام ندهید، آنگاه مسلمانان از دشنام دادن خدایان مشرکان باز ایستادند.» (بغوی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۳۹)

۴. در روایتی از تفسیر قمی آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «چون مسلمانان به آنچه مشرکین غیر از خدا می‌پرستیدند، دشنام می‌دادند، خداوند با نزول آیه ۱۰۸ سوره انعام، آنها را از سب آلهه مشرکان بازداشت؛ زیرا در این صورت مسلمانان ندانسته به خدا شرک می‌آورند و از روی عناد بر مشرکان باعث می‌شوند تا خدای یگانه آنها مورد دشنام کفار قرار گیرد.» (تفسیر قمی، ج ۱: ۲۱۳ به نقل از تفسیر جامع، ۱۳۸۸ش، ج ۲: ۴۳۶)

۵. تفسیر درآلمنثور، دو روایت آورده است که در هر دو، پیامبر (ص) مخاطب است و مشرکان از پیامبر (ص) می‌خواهند که از ناسزاگویی به خدایان آنها دست بکشد. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ۳۰۵)

اگر به روایات و سیاق آیات کریمه قرآن نگاهی عمیق داشته باشیم، صحیح‌ترین سبب نزول را روایتی می‌بینیم که در آن آمده است: مسلمانان، بر سر غیرت می‌آمدند و بت‌های کفار را دشنام می‌دادند، آنها هم به دشنام خداوند می‌پرداختند که خداوند با نزول سوره انعام، نحوه برخورد با مخالفین را آموزش داد و آنان را از توهین به مقدسات بازداشت. بنابراین پیامبر (ص) مخاطب نهی «لا تسبوا...» نیست؛ چه اینکه آن حضرت اسوه حسنه و دارای خلقی عظیم بود و به عنوان معلم بشریت و متمم مکارم اخلاق مبعوث شده بود و فحاش، سباب، لعان و بدزبان نبود، بلکه در پرتو وحی همگان را دعوت می‌داد و سخنانش متین و نرم و چهره‌اش گشاده و متبسّم بود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۶: ۲۶۱).

جز لطف و جز حلاوت خود از شکر چه آید جز نور بخش کردن، خود از قمر چه آید (کلیات شمس تبریزی)



تناسب آیه با آیات قبل

قرآن کریم بر خلاف تصور کوتاه‌اندیشان، کتاب پراکنده‌ای نیست که آیاتش با یکدیگر تناسب نداشته باشد؛ بلکه سوره‌ها و آیات آن از انسجام و تناسب خاصی برخوردارند که به برخی از آن موارد اشاره می‌گردد.

۱. امام فخر رازی می‌گوید: «ولاتسبوا الذین...» به گفته مشرکان تعلق دارد که به پیامبر(ص) می‌گفتند: قرآن را از مدارس و مذاکره مردم جمع‌آوری کرده‌ای و کلام خدا نیست. این سخن، مسلمانان را به سب و شتم آلهه مشرکان واداشت (رازی، بی‌تا، ج: ۷، ۱۴۱).

۲. آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید: «به دنبال بحثی که درباره منطقی بودن تعلیمات اسلام و لزوم دعوت از راه استدلال، نه از راه اجبار در آیات قبل گذشت، خداوند تأکید می‌کند که مسلمانان به حربۀ ناکارآمد و بی حاصل سب و دشنام خدایان مشرکان روی نیاورند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ ش، ج ۵: ۴۸۸)

۳. ابن عاشور می‌گوید: «این آیه به آیه ۱۰۶ همین سوره عطف شده است و بر معنای اعراض از مشرکان می‌افزاید و اثبات می‌کند که مقصود از اعراض، ترک دعوت نیست، بلکه چشم‌پوشی از سخنان زشت مشرکان و خودداری از مقابله به مثل با آنهاست.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۶: ۲۶۱)

۴. در آیات پیش از این آیه، خداوند پیامبر(ص) را به تبلیغ وحی مأمور و به اعراض از مشرکین دستور فرمود و حضرتش را به صبر و بردباری فرا خواند؛ چون استعدادهای بشریت تفاوت داشت. بنابراین پیامبران و دعوتگران فقط مبلغ‌اند، نه مسیطر و جبار و وکیل. خداوند مردم را در پذیرش و عدم پذیرش آزاد گذاشت و جهت حفظ آزادی مردمان فرموده است: «ولاتسبوا الذین...» (رشید رضا، بی‌تا، ج: ۷، ۶۶)

عمل‌گرایی و بعد هدایتی آیه

در دین اسلام، هدف بر ترویج عمل‌گرایی است و آیات زیادی به اصالت عمل برای نتیجه کارکردی آن در قرآن آمده است که همگی عمل در برابر عمل و خواسته در برابر خواسته مشابه را مطرح می‌کنند. عزالدین عبدالسلام (م. ۶۶۰ ق) از نخستین کسانی است که این ویژگی قرآن را عنوان کرده است (الاشارة إلى الأیجاز، ۳۲۱ به نقل از: ایازی، ۱۳۸۰ ش، ۴۲). فلسفه‌ای که می‌توان نسبت به این شیوه قرآن ذکر کرد، افزون بر آگاهی مکلف از وظیفه خود، تشویق به کار خوب و اجتناب از کار زشت است. این روش در ساختار کلی قرآن تحت عنوان بعد هدایت‌گری و تربیتی قرار می‌گیرد. آیه ۱۰۸ سوره انعام، مثال و مصداق خوبی برای عمل‌گرایی است، زیرا با نهی از دشنام دادن به خدایان مشرکان درصدد بیان علت حکم است و جدای از جنبه کارکردی و تشویق به بعد عمل‌گرایی معتقد است که در هر جا چنین علتی باشد، حکم نیز خواهد بود؛ یعنی اگر حتی عمل خوب منجر و منتج به عکس‌العملی زشت گردد، از عمل خوب باید خودداری نمود. برخی دیگر از آیاتی که اصالت عمل را برای نتیجه کارکردی آن مطرح می‌کنند، به شرح زیر هستند:

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (بقره، ۱۵۲)

«مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (نساء، ۱۲۳)

«وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ» (مائده، ۹۵) (ایازی، ۱۳۸۰ ش: ۴۳-۴۲)



درسی تربیتی برای دعوتگران

آیه ۱۰۸ سوره انعام دلالت دارد بر این که از طاعتی که منجر به معصیت می شود، باید دست کشید؛ چه اینکه آنچه به شر و بدی می انجامد، شر است. آیا کسی که زبان به دشنام مقدسات دیگران می گشاید، نمی بیند که چگونه خداوند از سب و طعن زدن به بت ها، که خود از اصول طاعات محسوب می شود، مسلمانان را نهی فرمود؛ چرا که به معصیت بزرگ تری که دشنام خدا و رسولش بود، می انجامید و باب سفاهت و بی خردی را می گشود. پیامبر (ص) چه حکیمانه فرمودند: «ملعون است کسی که پدر و مادرش را دشنام دهد» اصحاب عرض کردند: «چطور می شود شخصی پدر و مادر خود را دشنام دهد؟ فرمودند: «زمانی که زبان به دشنام پدر و مادر دیگران باز کند، پدر و مادرش دشنام داده می شوند.» (الشوکانی، بی تا، ج ۲: ۱۵۰ و ۱۵۱) امام محمد غزالی نیز می فرماید: «اهل صلاح از الفاظ رکیک و زشت خودداری می کنند و اگر نیاز پیدا کنند، از تعریض و کنایه استفاده می کنند.» (غزالی، بی تا، ج ۳: ۱۲۳)

علمای علم اخلاق در پرتو آیه فوق برداشت نموده اند که اگر دعوتگر دینی با امر به معروف بداند که مأمور به کاری بدتر از آنچه هست، روی می آورد و به مقدسات، هتک حرمت می کند و به مخالفت با حق می پردازد، بهتر همان است که امر به معروف و نهی از منکر نکند؛ بلکه واجب است که رهاش نماید. به فرموده سعدی (ره):

مجال سخن تا نیایی مگوی چو میدان نبینی نگهدار گوی (تفسیر روح البیان، ج ۳: ۸۳)

8

پس نباید به مقدسات دینی مردم اهانت شود، زیرا حداقل بازتاب آن این است که آنان مقابله به مثل می کنند و باید دانست که فحش و ناسزا نه تنها کسی را از مسیر غلط باز نمی دارد، بلکه عامل بروز دشمنی، کینه توزی و ناسزا شنیدن نیز می گردد. دعوتگر حکیم به منزله طبیب روح و روان آدمیان است؛ یک طبیب حاذق جهت علاج بیماران خود دلسوزانه وارد می شود و حتی اگر از بیماران سخن ناسزایی بشنود، با سکوت و لبخند برخورد می کند و چنانچه به این نتیجه رسید که بیمار به جای اطاعت، لجبازی می کند و به سلامت و آینده خویش بی اعتناست، او را تا مدتی به حال خود رها می کند. البته این به معنای ترک امر به معروف و نهی از منکر نیست، بلکه به معنای ممنوع بودن تحمیل عقیده به دیگران است؛ چه اینکه اراده خداوند به اختیار انسان ها تعلق گرفته و امر هدایت و دینداری اجبارپذیر نیست.

پیامها و آموزهها

۱. ادب در برابر دشمنان نیز نیکوست.
۲. دشمنان نادان را با دشنام دادن علیه خود تحریک نکنید که به عقاید شما توهین می کنند.
۳. استفاده از دشنام در تبلیغات و مناظره ها و نهی از منکر نیز ممنوع است.
۴. با دشنام و ناسزاگویی نمی توان مردم را از مسیر غلط بازداشت و به راه آورد.
۵. به رسوایی خود نزد پروردگار بیندیشید و دشنام ندهید.
۶. دشنام به مقدسات چیزی جز رواج بی ادبی و بی اخلاقی در سطح جامعه به بار نمی آورد
۷. سب با اصول دعوت اسلامی یعنی جدال احسن و گفتار نرم منافات دارد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹ ش، ج ۳: ۱۴۰)



د) مقدّس :

در لغت به معنی «پاک، پاکیزه، منزّه، پاک‌کرده، به پاکی یادشده، و به پاکی خوانده‌شده» است. افراد مذهبی، اشیاء، موجودات، یا مکان‌های مقدّس را چیزهایی در اساس کائنات می‌دانند که اثری دگرگون‌کننده بر زندگی و سرنوشت آنان دارند. مقدّس به ماهیتی گفته می‌شود که از امور روزمره به دور و از دسترس انسان‌ها خارج است. قوانین ویژه‌ای برای رفتار با مقدسات وجود دارد.

نظریه‌های مختلفی برای توجیه پیدایش مفهوم تقدس ارائه شده‌اند، مانند نظریه امیل دورکیم در جامعه‌شناسی. از نقطه‌نظری دیگر، تقدس امری توضیح‌ناپذیر براساس مفاهیم دیگر دانسته شده‌است؛ مانند نظرات رودلف اتو در پدیدارشناسی مذهبی که مقدس بودن را بعدی از احساسات می‌داند که مبنای تجربه مذهبی است. به دنبال آن، میرچا الیاده ریخت‌شناسی برای ظهور تقدس تدوین کرد و کم‌تر شدن آن را در جامعه مدرن توضیح داد.

مقدسات:

امور مقدس متعدد است؛ همچون مکان مقدس، زمان مقدس، اشیای مقدس و اعمال مقدس. درباره امور مقدس میرچا الیاده در کتاب مقدس و نامقدس می‌نویسد: «برای انسان مذهبی، طبیعت هرگز فقط طبیعی نیست، طبیعت همیشه دارای ارزش مذهبی است. درک این مطلب ساده است؛ چون کیهان آفرینش خدا است، از دستهای خدایان بیرون می‌آید. جهان اشباع شده از تقدس است، جهان به گونه‌ای آشکار شده که انسان مذهبی چون به آن بیندیشد، کیفیات بسیاری از تقدس را در آن می‌یابد.» «انسان هرگز نمی‌تواند جهان را به تمام وجوه آن از تقدس خارج کند.»

برخی از امور مقدس ادیان عبارتند از:

مکان مقدس: کی از ویژگی‌های برجسته ادیان مشهور تاریخی مشخص کردن مناطق و ساختارهای دینی توسط حد و مرزهای طبیعی، آیینی و روانی از مکان‌های عادی است. از لحاظ کیفی، پاره‌ای از بخش‌های مکان از بخش‌های دیگر متفاوت است. خداوند به موسی می‌گوید: «به اینجا نزدیک نشو. کفش‌هایت را از پاهایت بیرون آور؛ چون مکانی که تو در آن ایستاده‌ای زمینی مقدس است.» صحن‌ها، حرم‌ها، کلیساها، مسجدها، کنیسه‌ها، مشاهد مشرفه، امامزاده‌ها، حسینیه‌ها و معابد، همه اماکنی هستند که بر اساس معیارهای مذکور از اماکن عادی جدا می‌شوند و احکام خاص خود را دارند. میرچا الیاده در کتاب دائرة المعارف دین خود، کارکرد مشخصی را برای مکانهای مقدس ذکر می‌کند؛ از جمله آن که ابزاری برای ارتباط با خدا هستند؛ تجلی‌گاه قدرت خداوند هستند. کسانی که وارد این اماکن می‌شوند مراسم و اعمال ویژه‌ای همچون عبادت، مناجات و اعتکاف انجام می‌دهند و در واقع، همین اعمال همراه با تجربه قدسی مربوط به آن هاست که به این مکان‌ها ویژگی خاص می‌بخشد. اشیایی که به این اماکن تعبیه می‌شود به لحاظ تعلق آن‌ها به مکان مقدس، تقدس می‌یابد و قاعده سرایت شامل حال آنها می‌گردد. درجات متفاوت تقدس به لحاظ وسعت احکام متعلق به آنها (معیار اول) و یا به لحاظ تعلق شدیدتر آنها به مقدس اصیل (معیار دوم) می‌باشد. کعبه در مکه برای مسلمانان و معبد یهودیان در اورشلیم برای یهودیان و بیت المقدس برای مسیحیان مقدس‌ترین اماکن به حساب می‌آیند.

نزد مسلمانان، مسجدالحرام، مساجد، مشاهد مشرفه و امامزادگان از شرافت ویژه‌ای برخوردار است و در میان مساجد، بهتر از همه مسجدها، مسجدالحرام و پس از آن مسجد پیامبر (ص) و سپس مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و آن‌گاه مسجد جامع هر شهر، مسجد محله و مسجد بازار است. همین قاعده در مورد کلیساهای پروتستان با اندکی تخفیف مراعات می‌شود.



گردد، هر چند کانون توجه و تقدس آنها انجیلاست. اماکن مقدس در آسیای جنوب شرقی معمولاً بتکده‌هایی هستند که در آن یادگارهای مقدس و تمثال‌های متبرک بودانگهداری می‌شود. زائران آنها با بیرون آوردن کفش از پا و (اگر بخوانید) طواف مناره و تقدیم گل و گیاه و تعظیم و کرنش، ادای احترام می‌کنند. مساجد، که تقدس آنها به دلیل تعلق آن به خداوند و حاکمیت روح الهی (تجربه دینی) بر آن است، باید با وضو و طهارت به آنها وارد شد. بنابراین، زن‌ها در ایامی که بنابر احکام دینی نمی‌توانند با طهارت باشند، از آمدن به مساجد منع شده‌اند.

زمان مقدس:

زمان در اعتقادات دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در یک تقسیم، به مقدس و نامقدس تقسیم می‌گردد. زمان‌های مقدس نزد مسلمانان از احترام و تکریم برخوردارند و ویژگی آنها به این است که در هر هفته یا هر ماه یا هر سال تکرار می‌شوند. روز جمعه، روز بعثت پیامبر اکرم (ص)، ایام ولادت ائمه اطهار (ع) اعیادی همچون عید قربان و عید فطر و غدیر، ایام ماه رمضان، ایام اعتکاف و ایام برگزاری مراسم حج از جمله این زمان‌هاست. تقسیم دیگری که در ارتباط با زمان، از نظر دین‌داران و همچنین متون دینی می‌توان به آن اشاره کرد، تقسیم زمان به زمان مبارک یا سعد و زمان سوم یا نحس می‌باشد.

زمان مبارک، همان زمان مقدس است، اما زمان نحس چیزی فراتر از نامقدس است و با نگرش منفی به آن نگرسته می‌شود؛ همچون قضاوتی که عوام مردم درباره عدد ۱۳ دارند. زمان نحس زمانی است که در آن زمان به غیر از شر و بدی رخ ندهد و زمان مبارک زمانی است که در آن جز خیر و برکت نباشد. قدر مسلم این است که زمان همچون مکان (فی نفسه) از قداست ذاتی برخوردار نیست، بلکه قداست آن به لحاظ تعلق است که زمان نخستین (یعنی همان زمانی که تکرار آن را با مراسم و آیین‌ها در هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌های بعد گرامی می‌دارند) با مقدس اصیل دارد، همان‌گونه که نحس بودن ایام نیز به لحاظ حوادثی است که با آن زمان مربوط می‌باشد...

نوشته‌های مقدس: نوشته‌های مقدس، به خصوص در ادیان بزرگ و ادیان توحیدی، از بیشترین تقدس برخوردار است و شامل آثار مکتوب انبیا، زهاد، مقدسان و اوصیای آن‌ها می‌شود. انجیل و تورات به عنوان کتب مقدس مسیحیان و یهودیان، قرآن، کتاب مقدس مسلمانان و اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان محسوب می‌شود.

پس از کتاب‌هایی که توسط پایه‌گذاران ادیان به عنوان مهمترین کتاب‌های مقدس مطرح می‌گردد، نوبت به کتاب‌هایی می‌رسد که عنوان تفسیر و شرح بر کتب مقدس را داراست این کتاب‌ها معمولاً توسط نزدیکترین یاران و اوصیای انبیا (ع) تدوین می‌شود و سه وظیفه اصلی به عهده دارد:

۱- شرح و تفسیر کتب مقدس اصلی؛

۲- تعیین وظیفه مردم در ارتباط با شرایط زمانی و مکانی؛

۳- تشویق و ترغیب مردم به دینداری.



در دین اسلام، پس از قرآن، مهمترین کتاب های مقدس عبارتند از: نهج البلاغه و صحیفه سجادیه که مستقیماً منسوب به جانشینان پیامبر (ص) می باشند و در مرحله سوم به کتاب هایی می رسیم که راویان و ناقلان، بیانات و کلمات آن ها را تحت عنوان حدیث و روایت و ادعیه جمع آوری کرده اند.

حال تعدادی پرسش را در زمینه اهانت به مقدسات و طریقه برخورد با مجرمین مطرح میکنیم:

حکم اهانت کننده به ائمه اطهار علیهم السلام [ارتداد]

پرسش: اگر فردی در یک قطعه موسیقی، اقدام به توهین و ناسزا به محضر مبارک ائمه اطهار (علیهم السلام) نماید چنین شخص و چنین کاری چه حکمی دارد؟ پاسخ: هر گونه اهانت به مقام شامخ امامان معصوم (علیهم السلام) و توهین به آن بزرگواران در صورتی که توهین کننده مسلمان باشد موجب ارتداد است و اگر مسلمان نباشد در حکم ساب النبى (ص) است و این گونه افراد در اسلام مجازات بسیار سنگینی دارند. خداوند مسلمین و مخصوصاً پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را از شر دشمنان مصون و محفوظ دارد.

معیار تشخیص اهانت به انبیاء و حضرات معصومین علیهم السلام [ارتداد]

پرسش: تعریف دقیق اهانت و مصادیق آن در فقه شیعی چیست؟ آیا علاوه بر فحاشی افتراء، تهمت، اتهام وارد کردن، انکار نبوت، انکار امامت، انکار عصمت پیامبران و امامان (علیهم السلام) مصادیق اهانت یا سب نبی هستند یا خیر؟ نسبت دادن نقصان به دین اسلام و یا پیامبر و امامان (علیهم السلام) چگونه است؟ آیا منبعی وجود دارد که بطور دقیق به این موضوعات و مصادیق آن پرداخته باشد؟ پاسخ: انکار نبوت یا عصمت پیامبران و امامان (علیهم السلام) اهانت نیست بلکه بعضی از آنها کفر و بعضی سب خروج از مذهب شیعه است و نسبت دادن نقصان و امثال ذلک نیز اهانت نیست بلکه کفر است و این موضوع منبع خاصی ندارد بلکه با مراجعه به عرف مشخص می شود آیا اهانت است یا انکار مسلمات اسلام.

حکم ارتداد در صورت توهین غیر ارادی به حضرات معصومین علیهم السلام [ارتداد]

پرسش: اگر کسی با کوچکترین ناراحتی، حرفهایی بزند که از آن بوی ارتداد و خدای ناکرده اهانت به مقام خداوند متعال یا معصومین (علیهم السلام) به مشام آید با توجه به این که می دانیم لحظه ای دیگر وضو می گیرد و نماز می خواند و سایر عبادات را بجا می آورد، برخورد با این گونه افراد به چه صورت باید باشد؟ پاسخ: اگر شخص از خود بی خود می شود و کلمات کفرآمیزی می گوید مرتد نمی شود و در غیر این صورت مرتد است.

ارتداد با توهین و فحاشی به قرآن [ارتداد]

پرسش: آیا توهین به قرآن و فحاشی نمودن به آن (العیاذ بالله) سبب ارتداد می شود، تکلیف کسانی که شاهد و ناظر این مسأله هستند چیست؟ پاسخ: اگر از روی علم و عمد باشد مرتد می شود و بر دیگران لازم است که نهی از منکر کنند.

مسلمانی که به پیامبر و ائمه معصومین ناسزا بگوید [ارتداد]

پرسش: شخص مسلمانی به طور مکرر و در حال عصبانیت به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) (نعوذ بالله) توهین می کند در حالی که به خیال خودش به حضرت ابوالفضل (سلام الله علیه) اعتقاد و علاقه دارد وظیفه



همسر، فرزندان و بستگان او را بیان فرمایید؟ پاسخ: اگر حال او حال عادی باشد، از اسلام بیرون رفته است و همسرش باید از او جدا بشود ولی اگر از حال طبیعی خارج شده و یامشکوک است که از حال طبیعی خارج شده یا نه، محکوم به اسلام است و در صورت اول اگر توبه کند و دوباره آن زن به عقد آن مرد درآید عقدش صحیح است

مجازات توهین به مقدّسات [ارتداد]

پرسش: با توجه به ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ که مقرر می‌دارد: «هر کس به مقدّسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام (علیهم السلام) یا ائمه طاهرین (علیهم السلام) یا حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) اهانت نماید، اگر مشمول حکم سب النبّی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد» سؤال این است که آیا از جنبه فقهی توهین به مقدّسات اسلام (غیر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و انبیای عظام یا ائمه طاهرین (علیهم السلام) یا حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام)) مثلاً توهین به کعبه معظّمه یا مساجد و امثال آن می‌تواند به سبّ النبّی (صلی الله علیه وآله) منجر شود و تحت این عنوان مشمول مجازات اعدام گردد، یا محکوم به تعزیر می‌گردد؟ پاسخ: توهین به سایر مقدّسات تعزیر دارد ولی در خصوص آلوده کردن خانه کعبه به نجاست روایات متعدّدی داریم که حکم آن قتل است.

نتیجه:

12

جرم انگاری سنتی که قدرت الزام کننده آن در محدوده یک قلمرو سرزمینی با در مورد دین غالب شهروندان یک کشور کارایی دارد کافی به مقصود نیست. به دلیل گردش سریع و غیر قابل کنترل اطلاعات، توهین به عقیده دینی در قلمرو سرزمینی محدود نمانده و ممکن است یک تصویر با کاریکاتور با مقاله، انسان‌هایی در خارج از قلمرو سرزمینی را متاثر، خشمگین یا برانگیخته سازد و با سازمان یافتن کینه و نفرت و تشکیل گروه‌های افراطی، چه بسا امنیت ملی و بین‌المللی را مورد تهدید قرار دهد. همچنین اهانت به مقدّسات اسلامی یکی از جرایم پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات است که اگر چه در بسیاری از احکام و مقررات تابع اهانت ساده می‌باشد، اما قواعد خاصی نیز بر آن حکمفرماست که این قواعد را باید در منابع شرعی جستجو کرد. زیرا ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی و مستندات قانونی دیگر، واژه «مقدّسات اسلامی» را به صورت کلی بیان نداشته و تفسیر روشنی از آن ارائه نکرده‌اند. قضات نیز به دستور اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تکلیف دارند به منابع شرعی مراجعه کنند.

به طور کل از این نوشتار مشخص گردید که توهین به هر یک از کدام از مقدّسات جرم است و مجازات سختی دارد. توهین ممکن است از طریق گفتار باشد و ممکن است از طریق کردار، رفتار و حرکات باشد.

راست بودن یا دروغ بودن نسبت‌های وارده در جرم توهین شرط نیست و همچنین موهون شدن طرف مقابل نیز ضرورت ندارد بلکه کردار یا گفتار و یا عمل واهن باید به گونه‌ای باشد که از منظر عرف، وهن آور باشد.

منابع:

۱-قرآن کریم



- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۳، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش - ۲
- ۳- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۷ ش
- ۴- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۲) مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- ۵- ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی
- ۶- بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران، عصر ظهور، ۱۳۸۷ ش
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم، اسراء، ۱۳۹۰ ش
- ۸- قزوینی، سید محمد حسینی (۱۳۸۸) جزم اندیشی و خشونت مذهبی، ترجمه و تحقیق محمد حسین شمسایی و رسول منتجب نیا، چاپ اول نشر دادگستر
- ۹- رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۰- رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بالمنار، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ۱۱- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق
- ۱۲- غزالی، محمد ابن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۳- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث
- ۱۴- دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه شناسی، علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۸ ش
- ۱۵- الوسی بغدادی، شهاب الدین السید محمود، روح المعانی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.